

جغرافیا و توسعه شماره ۴۴ پاییز ۱۳۹۵

وصول مقاله : ۱۳۹۴/۰۸/۰۶

تأیید نهایی : ۱۳۹۵/۰۲/۰۵

صفحات : ۱۴۰-۱۲۳

خوانش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت دولت و مردم در مسائل زیست محیطی

مطالعه موردی: رویکرد کشاورزان ورامین به سیاست‌گذاری دولت در مورد پساب

مهشید طالبی صومعه‌سرای^۱، علی عنایتی شبکلائی^۲، دکتر رحمت حاجی مینه^۳، نیلوفر فلاح رستگار^۴

چکیده

بحران آب به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل زیست‌محیطی ایران در سال‌های اخیر بوده که مورد توجه دولت و گروه‌های مختلف اجتماعی قرار گرفته است. در این میان هیچ گروهی چون کشاورزان، بحران آب را به کامل‌ترین شکل درک نکرده‌اند و به همین دلیل، برای رفع مشکل آن به سمت استفاده از آب‌های جایگزین چون پساب رو آورده‌اند. اما استفاده از پساب بر حسب محصول و زمین دارای محدودیت‌هایی است. مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش نظریه‌ی مبنایی به دنبال روشن ساختن تفسیر، معنا و رفتار کشاورزان در استفاده از پساب است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر کلیه کشاورزان مشغول در زمین‌های کشاورزی دشت ورامین هستند که از طریق نمونه‌گیری نظری و شیوه نمونه در دسترس، در نهایت اشباع نظری با ۳۸ نفر مصاحبه شونده حاصل شد. نتایج تفسیر رویکرد کشاورز به سیاست‌گذاری دولت در رابطه با پساب، بیانگر بی‌اعتمادی به سیاست‌های دولت و تأثیر آن بر عملکرد ناصحیح کشاورزان در استفاده از پساب می‌باشد. علاوه بر این، نتایج تحقیق نشان داده است که عام‌گرایی شخصیتی و فردگرایی رفتار در فضای ناامن، تناقض بین عاملیت در انتخاب روش آبیاری و مسؤولیت‌نا-پذیری از نتایج این پدیده می‌باشد. مقوله هسته که دیگر مقولات کلی را شامل می‌شود، مقوله "گسست جامعه محلی از سیاست‌های ملی" است.

کلیدواژه‌ها: مسائل زیست محیطی، پساب، بحران آب، سیاست‌های ملی، جامعه محلی.

مقدمه

سیاست‌گذاری آب، حوزه‌ی وسیع بین‌رشته‌ای است که مرتبط با نگرانی‌های در حال افزایش درباره‌ی بحران آب جهان است. جامعه‌شناسی سیاسی مدیریت منابع آب نیز، از مباحث جدیدی است که بر اساس ابعاد سیاسی و اجتماعی مدیریت منابع آب، اجازه درجه‌ای از رده‌بندی کردن و انتزاع را می‌دهد (Mollinga, 2008: 8).

یکی از حوزه‌های ورود علوم اجتماعی و سیاسی به موضوع آب، ظهور موضوع حکمرانی خوب است که، علم سیاست را بیش از پیش در جریان گفتمان توسعه‌ی منابع آب قرار داده است. حکمرانی مفهومی وسیع‌تر از حکومت دارد و آن حاصل همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخش‌های مختلف است. از زمان ملاحظه‌ی موضوع حکمرانی و نظریات مرتبط با آن، همچون پاسخ‌گویی، شفافیت و حقانیت، به سختی می‌توان جایگاه حوزه‌ی سیاست در ارتباط با مدیریت منابع آب را نادیده گرفت. با پاگرفتن نشست‌هایی چون دومین مجمع جهانی آب در لاهه در سال ۲۰۰۰، کنفرانس آب‌شیرین در سال ۲۰۰۱ و نشست جاسنبرگ درباره‌ی توسعه‌ی پایدار در سال ۲۰۰۲ مفهوم حکمرانی برای رفع مشکلات آبی جهان به شکل پررنگ‌تری مطرح شد. مجموع دستورالعمل‌های این نشست‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد "بحران جهانی آب، بحران در حکمرانی است". با توجه به نقش بدنه‌ی شهروندی و جامعه‌ی مدنی، استفاده از مفهوم مشارکت در حوزه‌ی حکمرانی آب در دهه‌ی ۱۹۷۰ جایگاهی مرکزی پیدا کرد (Mollinga, 2008: 12).

با پاگرفتن نشست‌هایی چون دومین مجمع جهانی آب در لاهه در سال ۲۰۰۰، کنفرانس آب شیرین در سال ۲۰۰۱ و نشست جاسنبرگ درباره‌ی توسعه‌ی پایدار

در سال ۲۰۰۲، مفهوم حکمرانی برای رفع مشکلات آبی جهان به شکل پررنگ‌تری مطرح شد. مجموع دستورالعمل‌های این نشست‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد "بحران جهانی آب، بحران در حکمرانی است". با توجه به نقش بدنه شهروندی و جامعه‌ی مدنی، استفاده از مفهوم مشارکت در حوزه‌ی حکمرانی آب از دهه‌ی ۱۹۷۰ جایگاهی مرکزی یافت (طالبی، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

نکته‌ی مهم در بحث حکمرانی این است که حکومت تنها یکی از بازیگران اصلی فرایند حکمرانی است. کنار حکومت، توجه به شهروندان و کاربران سیاست‌گذاری‌ها دارای اهمیتی دوچندان است که در عمل جایگاه درخوری به آنها اختصاص داده نشده است. ساختارهای شبکه‌ای و افقی در حکمرانی خوب و بطور خاص در حکمرانی آب، جایگزین ساختارهای سلسله‌مراتبی و عمودی می‌شوند.

لذا امروزه مشارکت شهروندان در حفظ محیط زیست نه تنها مؤثر بلکه حیاتی است. می‌توان گفت که مدیریت زیست‌محیطی فرایندی رو به پیشرفت است که به تعهد همیشگی مردم بستگی دارد و این رویداد جریان‌ی از پایین به بالاست که همه مؤسسه‌ها و گروه‌های محلی را در بر می‌گیرد (طالبی، ۱۳۹۲: ۱۱).

بر این اساس از آثار و نتایج حکمرانی خوب، کمک به حفظ محیط‌زیست، توسعه‌ی پایدار و ترویج اخلاق زیستی است. حکمرانی مطلوب بر صرفه‌جویی در استفاده از منابع کمیاب، تأمین پایداری محیط‌زیست و افزایش هزینه‌های حفظ محیط‌زیست تأکید دارد". (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۱۸۷). این بعد از حکمرانی، به‌ویژه در خرده جوامع سنتی و محلی چون جوامع روستایی و کشاورزی، تأکید بیشتری بر

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

پارادایم نوین زیست‌محیطی پارادایم جدیدی است که در علوم اجتماعی جدید شکل گرفته است. بر اساس این پارادایم ارزش و نگرش زیست‌محیطی در کنار دانش و آگاهی از نتایج عملکرد، زمینه‌ساز رفتار بهینه‌ی زیست‌محیطی می‌باشد. بر پایه‌ی مدل گراب^۲، هر چه افراد در مورد محیط زیست بیشتر بدانند، رفتارهای محافظتی بیشتری نسبت به آن از خود نشان می‌دهند. گراب دلیل مدعی خود را پیشینه‌ی تجربی گسترده، هم بر پایه‌ی داده‌های پیمایش‌های زیست‌محیطی بوردن^۳ و اسکیتینو^۴ (۱۹۷۹)، هاینز و همکاران (۱۹۸۷)، اسکان^۵ و هولزر^۶ (۱۹۹۰) و هم بر پایه‌ی شواهد تجربی بکر^۷ (۱۹۷۸) می‌داند (Grob, 1995: 3). رمزی و ریکسون^۸ (۱۹۷۶) نیز معتقدند که دانش رشد یافته درباره‌ی محیط‌زیست، بستری برای نگرش‌های محافظت از محیط ایجاد می‌کند و هم دانش و هم نگرش نقش مهمی در تغییر کنش‌های انسانی دارند (Chan, 1999: 88). البته دانش افراد نسبت به هر موضوع، دانشی چندلایه است: در راستای همین فعالیت‌ها، کار فریک و همکارانش در معرفی سه شکل از دانش زیست‌محیطی، یعنی دانش نظام-مند (سیستمی)^۹، دانش مربوط به عمل^{۱۰} و دانش اثربخشی^{۱۱}، باب جدیدی در مطالعه تأثیرات دانش زیست‌محیطی بر رفتارهای مؤثر زیست‌محیطی گشود (Frick, Kaiser & Wilson, 2004). دانش نظام‌مند یا سیستمی، دانشی در مورد مسائل زیست‌محیطی است. بهترین مثال در مورد این دانش رابطه بین

مشارکت دارد. اما برای مشارکت قبل از هر چیز شناخت از بدنه‌ی جامعه‌ی بومی و فراتر رفتن از نگرش‌های خطی و پوزیتیویستی اولین اقدام است. مایکل بوراووی^۱ با تأکید بر جامعه‌شناسی مردم‌مدار، به لزوم برقراری ارتباط بین جامعه‌شناسان و بدنه‌ی مردم تأکید کرد. جامعه‌شناسی مردم‌مدار، محل رفت و آمد و ملاقات و گفتگوی جامعه‌شناسان و غیر جامعه‌شناسان در حوزه‌ی عمومی است (بوراووی، ۱۳۹۴: ۶۱). بر این اساس می‌توان بررسی اهمیت نقش کشاورزان در مورد کاربرد پساب را در ذیل حوزه‌ی جامعه‌شناسی مردم‌مدار قرار داد که با تأکید بر نقش مشارکت مردم محلی، سعی در برقراری ارتباط بین حوزه‌های رسمی (حکومت) و حوزه‌های غیررسمی (شهروندان و جامعه مدنی) دارد. این تحقیق نیز در نظر دارد با فراتر رفتن از رویکردهای پوزیتیویستی که در فضاهای بومی و روستایی و همچنین شناخت مسائل غیرمترافی چون استفاده از آب بازیافتی دارای محدودیت‌هایی است، با کمک پارادایمی تفسیری به واکاوی معنایی تعامل کشاورز با پساب پردازد. بازسازی معنایی جهت‌گیری کشاورزان نسبت به کاربرد پساب در کشاورزی، از مهم‌ترین حلقه‌های مفقوده در سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه‌ی حکمرانی پایدار است که توجه به آن نگرش افقی و چندصدایی را جایگزین نگرش عمودی و یک‌جانبه از طرف سیاستگذار می‌کند. لذا برای ارائه‌ی یک نظریه‌ی مبنایی در این مقاله درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر هستیم:

۱- زمینه‌ها و بسترهای استفاده از پساب توسط

کشاورز چیست؟

۲- تجربه و تعامل کشاورز با پساب چگونه است؟

۳- آثار و پیامدهای این تعامل چیست؟

2 -Grob
3 -Borden
4 -Schettino
5-Schann
6-Holzer
7 -Becker
8-Rickson
9-System Knowledge
10-Action-related Knowledge
11-Effectiveness Knowledge

1- Michael Burawoy

محصول، بی‌شک پای تحلیل‌های اجتماعی را به میان می‌کشد.

لذا می‌توان پارادایم نوین زیست‌محیطی را، به نوعی همچون نظریه حکمرانی خوب، در جامعه-شناسی مردم‌مدار قرار داد که با فراتر رفتن از بحث مدیریت عرضه به سمت مدیریت تقاضا و نحوه‌ی تعامل مصرف‌کننده، با آب مورد نظر و عوامل دانشی، نگرشی و ارزشی آن می‌پردازد. در نظریه حکمرانی خوب، رابطه دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسؤولیت‌ها به بازیگران محلی برقرار می‌شود. لذا با توجه به‌اینکه تخلیه بی‌رویه فاضلاب‌های صنعتی به آب‌های پذیرنده اثرات زیانباری را به محیط‌زیست خصوصاً زمین‌های کشاورزی که با این آبها مشروب می‌شوند، وارد می‌سازد (ترابیان و بغوری، ۱۳۷۶: ۴۴-۴۳). پس جامعه-شناسی مردم‌مدارانه در قالب پارادایم نوین زیست محیطی به بهترین نحو می‌تواند تبیین‌گر رفتارها و کنش‌های کشاورزان در تعامل با پساب در کشاورزی باشد.

روش‌شناسی

متدولوژی این مقاله، روش نظریه‌پردازی داده‌محور است که تحت‌عنوان نظریه‌ی زمینه‌ای یا نظریه مبنایی^۱ مطرح است. نظریه مبنایی عبارت است از آنچه که بطور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن است. بر این اساس باید آن پدیده را کشف کرد، کامل نمود و بطور آزمایشی از طریق گردآوری منظم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌هایی که از آن پدیده نشأت گرفته است، اثبات نمود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۴).

در تحقیق حاضر، طی مراجعه به جامعه‌ی روستایی و ملاقات با کشاورزان، از طریق مصاحبه‌ی

میزان مواد سمی سنگین موجود در فاضلاب و جذب آن در گیاه تحت آبیاری قرار گرفته با آن فاضلاب است. دانش مربوط به عمل، دانش در مورد گزینه‌های رفتاری و طرق ممکن کنش است. در این مورد نیز، برای روشن‌تر شدن مطلب، مثال قبل را می‌توان چنین مطرح کرد که شاید کشاورز از مواد سمی موجود در فاضلاب اطلاع داشته باشد، اما ممکن است نداند که چه کارهایی می‌تواند برای کاهش آسیب آن به گیاه و انسان انجام دهد.

دانش اثربخش نیز دانش درباره سود و فایده حاصل از یک رفتار خاص است. لذا می‌توان پارادایم نوین زیست‌محیطی را، به نوعی همچون نظریه حکمرانی خوب و حکمرانی پایدار، در دسته جامعه‌شناسی مردم‌مدارانه قرار داد که با فراتر رفتن از بحث مدیریت عرضه در آب به سمت مدیریت تقاضا و نحوه‌ی تعامل مصرف‌کننده با آب مورد نظر و عوامل دانشی، نگرشی و ارزشی آن می‌پردازد. از آنجا که در نظریه حکمرانی خوب، رابطه دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسؤولیت‌ها به بازیگران محلی برقرار می‌شود، لذا جامعه‌شناسی مردم‌مدارانه به بهترین نحو می‌تواند تبیین‌گر رفتارها و کنش‌های کشاورزان در تعامل با پساب در کشاورزی باشد. گسترش بی‌رویه شهر تهران در دهه‌های اخیر و رشد شدید جمعیت از یک سو و فقدان سیستم جمع-آوری فاضلاب از سوی دیگر موجب شده است که مسیل‌های متعددی که از دامنه‌های جنوبی سلسله جبال البرز سرچشمه گرفته و ضمن عبور از داخل شهر تهران به دشت جنوب تهران می‌رسیدند، اراضی کشاورزی جنوب تهران را به پذیرنده فاضلاب‌های شهری و فاضلاب‌های صنعتی برخی صنایع که در محدوده‌ی فعلی شهر فعالیت دارند تبدیل نمایند (ترابیان و مهجوری، ۱۳۸۱: ۱۹۴-۱۹۳). توجه به چگونگی تعامل کشاورزان با این آب در کشت

دانشگاهی، ۱۳ نفر دیپلم و ۱۹ نفر باقی‌مانده زیر دیپلم بودند. بیش از ۶۵ درصد آنها متأهل بودند. یک نفر همسر فوت کرده و دو نفر نیز همسر طلاق داده بودند. از بین این افراد ۴ نفر زیر ۲۰ سال، سه نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۱۴ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۱۷ نفر هم بالاتر از ۴۰ سال سن داشتند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شیوه‌ی کدگذاری نظری استفاده شده است. با اخذ صدها کد از تحلیل سطر به سطر و عبارت به عبارت متن، در مرحله‌ی بعد با مراجعه مستقیم به متن مصاحبه‌ها و بررسی کدها، در سطوح عام‌تری طبقه‌بندی مجدد شدند. در این مرحله از مفاهیم به گزاره‌ها پل زده شد که خود در برگیرنده‌ی مجموعه‌ای از مفاهیم هستند. سرانجام تلاش شد تا با ارائه‌ی شواهد و مصادیقی از متن مصاحبه‌ها به ارائه‌ی گزاره‌ها و تحلیل نظری پردازیم.

یافته‌های تحقیق

زمینه‌ها و بسترهای استفاده از پساب

برای پاسخگویی به این پرسش تحقیق که "زمینه‌ها، شرایط یا دلایل استفاده از پساب توسط کشاورزان چه هستند؟"، از افراد مطلع پرس‌وجو به عمل آمد و داده‌های و مفاهیم انتزاعی از عبارات بیان شده توسط آنها که طی کدگذاری سه‌گانه حاصل گشت، استخراج گردید. کدهای ابتدایی دسته‌بندی و تلخیص شده و در نهایت هر دو یا چند مفهوم، تحت نام مفهومی کلی‌تر دسته‌بندی شدند.

نیمه‌ساخت‌یافته و مسأله‌محور اطلاعات لازم به دست آمد. مصاحبه روشی مؤثر برای جمع‌آوری اطلاعات و پرداختن به برخی فرضیه‌هاست؛ مخصوصاً زمانی که پژوهشگران بخواهند میزان درک و یادگیری شرکت-کنندگان را محک بزنند و یا اهمیت برخی رویدادها و پدیده‌ها را بدانند (فلیک، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۰).

در این تحقیق از دو نوع نمونه‌گیری به صورت همزمان استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد‌مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (همان: ۱۴۵-۱۳۴). در خلال مصاحبه‌های اولیه نیازهای اطلاعاتی تحقیق برای پوشش مناسب مضامین تحقیق، تنوع-پذیری و تغییرپذیری لازم در شرایط پاسخگویان مشخص و مبنای انتخاب نمونه‌های بعدی قرار می‌گرفت. اگرچه به‌علت بافت محلی همگنی و همدستی مشهودی در میان افراد وجود داشت اما سعی شد، برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای تا حد امکان طیف متنوعی از افراد با شرایط، انگیزه‌ها و زمینه‌های مختلف را دربرگیرد. مصاحبه‌ها در دوره زمانی دو ماهه اجرا و پس از انجام هر مصاحبه تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شد و در نهایت اشباع نظری با تعداد ۳۸ نمونه در محدوده‌ی دشت ورامین در جنوب تهران (۱۵ نفر از کشاورزان روستاهای قاسم‌آباد و شورآباد دهستان کهربیزک و ۲۳ نفر از روستای فیروزآباد دهستان قلعه‌نو شهری) حاصل شد. تمام افراد مصاحبه‌شونده ایرانی بودند و ۶ نفر دارای تحصیلات

جدول ۱: مقولات اولیه و محوری زمینه‌ها و بسترهای استفاده از پساب^۱

مقوله محوری	مقولات*
انباشت مخاطره/انفعال کنشگری	ریسک بالا در همه عرصه‌ها، عدم کنترل بر مشکلات، ناامیدی از بهبود شرایط
بی‌اعتمادی سیاسی	سوءرفتار مسؤولین، اختلاس کلان، ناتوانی دولت از درک نیازها، نارضایتی سیاسی
عدم منع قانونی	قانونی بودن استفاده از پساب، طرح انتقال پساب تهران

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۴

انباشت مخاطره و انفعال در کنشگری

شرایط مخاطره‌آمیز کنونی شکل‌هایی جدید از هویت را نیز برای افراد فراهم ساخته است. زندگی همراه با ریسک بالا و عدم کنترل فردی بر مشکلات و مخاطرات، فراهم‌کننده‌ی شرایط ناامن است. فضای مخاطره و ناامنی برای کشاورز تنها محدود به زمین‌های کشاورزی نیست و تلاش دارد تا با گسترش فهم خود از شدت مخاطرات در تمام عرصه‌ها، مخاطرات ناشی از عملکرد خود در به کارگیری پساب را، در کنار دیگر مخاطرات قرار داده و عملکرد توأم با کژکارکرد را تبیین و بعضاً توجیه نمایند. آنها این کار را نه به واسطه‌ی ناآگاه بودنشان از مشکلات ناشی از استفاده ناصحیح از پساب، بلکه به جهت بی‌نتیجه دیدن انجام رفتار صحیح می‌دانند؛ زیرا معتقدند انباشت و فراوانی مخاطرات دیگری در جامعه وجود دارد که اشتباهات آنها در برابر آن کوچک است. به عبارتی اشتباهات ساختاری سبب توجیه اشتباهات فردی در آنها شده است. در اینجا انفعال در کنشگری به هیچ‌وجه به معنای ناتوانی کنشگر نیست بلکه بیشتر تأکید بر ناامیدی او دارد. به عبارتی آنها خود را مهره‌ای کوچک در زنجیره‌ای از عمل اشتباه می‌دانند که بهبود یک جانبه از طرف آنها تغییری بهینه را حاصل نمی‌کند. پاسخگویان به صورت بازاندیشانه و بر اثر تجارب مستقیم و غیرمستقیم و نیز عینی (آلودگی هوا، پارازیت‌ها، شیر آلوده و...) و غیر عینی (مجازی، شایعه

و ...) عدم نتیجه‌بخش بودن عملکرد صحیح خود را بطور کلی درک می‌کنند.

اکبر ۳۲ ساله و کارگر یکی از زمین‌های کشاورزی ورامین معتقد است:

"... حالا مگه شیرشون که آلوده بود، درست شد یا اون اشعه‌های ماهواره‌شون که سرطانی بود قطع شد، مسؤول آلودگی هوا که دیگه محصول من نیست که. حداقل گیاه اگه با این آب ضرر برسونه سود خودشم به بدن میرسونه باقی چیزا چی؟ مشکلات زیادت از این حرفاس".

در مجموع در کاهش کنشگری کشاورزان برای بهبود وضعیت استفاده‌ی ناصحیح از پساب در کشاورزی، افراد مورد مطالعه اشاره‌ی صریحی به بی‌نتیجه بودن عملکرد صحیح در ساختار بیمار داشتند. از نظر کشاورزان کنش آنها پاسخ به شرایطی است که از قانونگذار دولتی تا مجری و بدنه جامعه را در عملکرد اشتباه قرار داده است و حذف حلقه نهایی در اصل پاک کردن صورت مسأله است. لذا کنش فعالانه در مسیر سیاست‌گذاری‌های حکمرانی پایدار، از نظر آنها سازه‌ای انعطاف‌پذیر است که در صورت بهبود زیرساخت‌ها شکلی صحیح به خود می‌گیرد و در شرایط فعلی، نتیجه مشهود برآیندی از خود سیاست‌های دولتی است.

۱- در ادامه مقولات محوری به تفکیک تبیین و توضیح داده خواهد شد.

کشاورز به علت جهل او از طرفی و سوء استفاده مسؤولان از نیاز آنهاست:

"... شما کاش نزدیک انتخابات مجلس میومدین اینجا تا ببینید که این نماینده‌ها چه وعده‌هایی میدن. وعده میدن که مجوز حفر چاه و قنات می‌گیرن، پساب با کیفیت و ارزون میدن و بعد می‌بینیم که اون آقا رفت و پیداش نشد. دیگه کشاورزان به این آب باریکه راضی نمیشن و چاه غیرقانونی حفر می‌کنند، فاضلاب دزدی و آب دزدی می‌کنن و می‌گن کی دلش واسه ما سوخت که دل ما برای بقیه بسوزه..."

نتایج تحقیق کاترچر نیز نشان داده است که اعتماد به ارکان دولتی مرتبط همچون شرکت آب در عرضه آب بازبافتی سالم، بر روی مصرف و استفاده از این آب تأثیر می‌گذارد (Kaercher, 2003). بطور کلی، ارتباط میان اعتماد به مسؤولان و نگرش نسبت به سیاست‌ها، یکی از مهمترین عواملی بود که دلیل رفتار افراد در استفاده از پساب بود.

کشاورز ۴۵ ساله در این رابطه می‌گوید:

"دروغ توی حرفای مسؤولین خیلی زیاده. یه روز میگن استفاده از فاضلاب ممنوعه بعد که می‌بینن نمی‌تونن آب پاکو برای ما تأمین کنند دوباره میان میگن پسابی که استفاده کرده بودین بدون مشکل بوده و دوباره می‌تونید استفاده کنید. یه روز وعده میدن آب سد ماملو رو برای ما می‌فرستن یه روز می‌گن ممکن نیست. خوب واسه همین که من در کل کار خودمو می‌کنم چون مطمئن هستم که پشت هر کدوم از حرفاشون حرف دیگه هست".

برخی از افراد مورد مطالعه نیز در این زمینه با توسل به عملکردهای اشتباه سیاسی و اجتماعی در سطح کلان به توجیه رفتارهای خود می‌پرداختند.

"... برو ببین چندتا حلقه چاه برای زمین‌های آقای... حفر شده و اونوقت به ما اجازه نمی‌دن تازه

سعید کشاورز ۴۴ ساله در این زمینه معتقد است که:

"... اگه برنامه‌ریزی کنند میشه این آب تصفیه بهتر بشه و به اندازه نیاز زمینا هم به ما بدن. البته خوب دارن چندتا فاز از فاضلاب تهران رو درست می‌کنن اما بازم به اندازه نیاز ما نیست. مشکل قابل حله اما طول می‌کشه خوب چیکار کنیم ما؟ آب همینه و باید از فاضلاب استفاده کرد استانداردمش اونا باید بگن."

بی‌اعتمادی سیاسی

در بخشی دیگر از مصاحبه‌های پاسخگویان، آنها مشکلات و ناهنجاری‌های رفتاری خود را در استفاده از پساب، مربوط به عملکرد دولت و دولت‌مردان می‌دانستند. تعریفی که کشاورزان از سیاست‌گذاری دولت در این زمینه داشتند، تعیین‌کننده‌ی نوع رفتار آنها در این مسیر بود. آنها معیارهای اعتماد در این زمینه را با تجربه مستقیم و در تعامل با هم‌رده‌های خود در منطقه‌ی مورد نظر کسب کرده بودند. پاسخگویان در این زمینه به مؤلفه‌های متنوع و متفاوتی اشاره داشتند. دسته‌ای با تأکید بر عدم درک سیاست‌گذاران از وضعیت سخت زندگی کشاورز اشاره داشتند، برخی نیز به اهمال‌کاری دولت در تصفیه‌ی اصولی حجم عظیم فاضلاب تهران تأکید می‌کردند. با وجود تأکید کشاورز به دانش اثربخش بومی و بی-توجهی او به یافته‌های علمی و مقررات دولتی، با رواج و شیوع مشکلات در محصول و زمین کشاورزی به علت استفاده ناصحیح از پساب، دولت به عنوان مسبب اصلی قلمداد می‌شود. زیرا از نظر پاسخگویان دولت با حمایت نکردن از کشاورز و محصول او زمینه‌ساز بروز مشکلات شده است.

رحمان ۵۴ ساله با نقد این روش توسط خود و همکارانش معتقد است که عدم‌پیش‌بینی نتایج توسط

میگن از فاضلاب هم استفاده نکنید. اینم یه جور اختلاسه خوب که چون ایشون آدم مهمیه روی زمیناش چاه موتور هست و اونوقت به ما می‌گن مشکل آلوده بودن سبزی‌ها از شما کشاورزاست و با همین حرفا دیگه سبزی ما تو تهران مثل قبل فروش نمی‌ره."

این ارزیابی ناظر به عوامل به رسمیت شناخته نشدن سیاست‌های دولتی در میدان عمل است. در حالی که در معیار حکمرانی خوب، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی، کارآمدی، مشارکت‌جویی و عدالت‌گستری است. این عوامل باعث ایجاد اعتماد شهروندان به دستگاه‌های حکومتی و دولتی می‌شود که از نتایج این اعتماد مشارکت بیشتر شهروندی و همچنین مسئولیت‌پذیری بیشتر آنها در قبال منابع می‌شود. اما همان‌طور که مصاحبه‌نشان می‌دهد شکاف بین برنامه‌ریزی‌های دولتی و شناخت از نیاز محلی از نظر کشاورز در حداقل قرار دارد. این قضاوت که آشکارا سوء مدیریت در دشت ورامین مشکلات را ایجاد کرده قضاوت غالب در میان پاسخگویان به شمار می‌رود.

عدم منع قانونی

با توجه به محدودیت روبه افزایش منابع آبی کشور و ضرورت بهره‌گیری و استفاده‌ی مجدد از این منابع، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری شیوه‌نامه‌ای رادر سال ۱۳۸۹ برای استفاده مجدد از آب‌های برگشتی و پساب‌ها ابلاغ کرد. این شیوه‌نامه علی‌رغم نقاط قوت قابل توجه به دلیل عدم تعریف فرایند فعالیت‌های مورد نیاز در جهت اجرای بهینه، فقدان بسترهای لازم و عدم تعیین متولی مشخص در زمینه مدیریت پساب و بین بخشی بودن فعالیت‌های مرتبط با استفاده از این منابع از کاستی‌هایی نیز برخوردار بوده و مشکلات و تنگناهای متعددی را پیش روی دست‌اندرکاران و متولیان امر

قرار داد (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، ۱۳۸۹: ۶۲) که البته پیرو آن، پیوسته‌هایی برای رفع نواقص تصویب شد. کشاورزانی که خود بطور کامل و یا متناوب از پساب برای آبیاری محصولاتشان استفاده می‌کردند، از وجود این ضوابط و قوانین بطور کلی آگاه بودند. به عبارتی آنها تنها در این حد اطلاع داشتند که منع قانونی در استفاده از پساب تصفیه‌شده ندارند. لذا آنها عدم ممنوعیت قانونی و عدم برخورد قضایی را در رواج این موضوع مهم می‌دانستند. "توی خیلی از کشورها میگن بدجوری دولت نظارت می‌کنه که از این آب درست و کم استفاده بشه ولی اینجا که کسی تا الان کاری نداشته و خودشونم میگن از این آب استفاده کنید. خوب البته اونا میگن حتما باید تصفیه‌شده باشه."

علاوه بر عدم پیگیری قضایی در مورد استفاده ناصحیح از پساب، گویا تفاسیر عموم مردم نیز به گونه‌ای نیست که احساس مسؤولیت را در آنها برانگیزد "دوستم که رفته بود خارج هم می‌گفت اونجا میوه‌ها خوشکله اما مزه نمیده. خوب چون اونام از مواد شیمیایی استفاده می‌کنن مثل ما". البته در این تحقیق، عدم منع قانونی بیش از آنکه علت به وجود آمدن یک رفتار باشد، تسهیل‌گر شرایط است لذا می‌توان آن را در زمره مقولات زمینه‌ساز دسته‌بندی کرد.

تجربه و تعامل کشاورز با پساب (تعاملات و ارتباطات)

به قصد یافتن این سؤال که کشاورزان بر اساس چه تفسیری از شرایط استفاده از آب بازیافتی به استفاده از آن دست می‌زنند کدگذاری انجام گردید، که نتایج آن در جدول زیر مشهود است:

جدول ۲: مقولات اولیه و محوری تجربه و تعامل کشاورز با پساب

مقوله محوری	مقولات
فردگرایی خانواده محور	فراکنی مشکلات به غیر، ترس از در فشار قرار دادن خانواده، عدم اتصال نفع خانوادگی به نفع ملی
منفعت‌طلبی کوتاه‌مدت	تأکید بر مصرف‌کنندگی نه قانون‌گذاری، بی‌مسئولیتی
واکنش به بی‌عدالتی ادراک شده	بی‌عدالتی دولتی، بی‌اعتمادی به همکار، بحران مدیریت آب، بی‌توجهی به کشاورز، حقایق ناعادلانه

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۴

فردگرایی خانواده‌محور

کشاورزان بطور فزاینده‌ای خود را در محیطی می‌یابند که تصمیم‌گیری در خصوص افزایش بازدهی و بهبود کشت و محصول نهایی، برای آنها دارای اولویت اولیه و اساسی است. لذا در این مسیر مخاطرات برای ایشان تنها برحسب سود و زیان اقتصادی قابل لمس بوده و ملزم به تصمیم‌گیری برای بهبود شرایط کشت برحسب اهداف فردی خود هستند. مصاحبه‌شوندگان آشکارا در این مسیر بر پذیرش پساب در کشاورزی به جهت افزایش بازدهی محصول اشاره دارند:

"... بدون این آب تا مدت کمی این دشت برهوت میشه. الان با انتقال فاضلاب به سمت ورامین با همه مشکلاتی که هست اما محصول بهتر به عمل میاد و نیاز مشتری تهرانی و شهرستانی هم برطرف میشه".

بدین ترتیب در مباحث زیست‌محیطی استفاده از پساب و دانش کشاورز برای استفاده متفاوت برحسب محصول از آن برای کاهش مخاطرات، او را در دوره‌هایی قرار می‌دهد که انتخاب بین نفع کوتاه‌مدت و بلندمدت را برایش رقم می‌زند. با بسط دامنه‌ی عقلانیت ابزاری و فردیت، افراد به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خویش هستند. اما چنانچه بین این نفع‌های فردی و کوتاه‌مدت تعارضی با منافع

جمعی و بلندمدت برقرار گردد، فرد با عمل بر حسب نفع فردی، عملاً از آن نفع نیز باز خواهد ماند (جوادی‌یگانه، ۱۳۸۳: ۴۲۰-۴۱۹).

چلبی (۱۳۸۴) در کتاب جامعه‌شناسی نظم خود، وجود حداقلی از جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه را برای هر جامعه ضروری می‌داند. اما بنابر گفته‌های کشاورزان در این تحقیق، جهت‌گیری‌های جمع‌گرایانه کمتر یافت می‌شود و یا جهت‌گیری‌های فردی نیز از نوع فردگرایی‌های قومی یا محلی است. به عبارتی روابط اجتماعی آنها در جهت کسب سود، در سطح کلان کمتر وجود دارد و روابط افراد تنها در سطح گروه‌های اولیه و محلی باقی مانده است و آنها با گروه‌های رسمی و دولت و جامعه کل، عملاً با هم بیگانه و حتی در تعارض هستند.

"... من هم که استفاده نکنم همکارم استفاده می‌کنه ما هم نکنیم تو اصفهان و مشهد استفاده می‌کنن. خوب اگه قراره کسی استفاده نکنه فکر اساسی برای همه بکنن نه اینکه توقع داشته باشن ما کارمونو تعطیل کنیم یا آب چاه استفاده کنیم که نداریم و بعد هم باز همون اتفاق تو مملکت جای دیگه‌اش بیوفته. ما هم برای زندگیمون از این راه برنامه‌ریزی می‌کنیم و نون می‌خوریم".

از طرف دیگر بسیاری از کشاورزان، معتقد بودند که بسیاری از افراد در جامعه، رفتارهای خودمحورانه و

افرادی چون روزین و فالون نیز در تحقیق خود ارتباط میان ادراک نسبت به آلودگی و رفتار اجتناب-آمیز را نشان داده‌اند (Rozin & Fallon, 1987: 36). اما در اینجا با تغییر گروه هدف و نوع نگاه آنها به موضوع، ادراک نیز متفاوت شد. همان‌طور که مهندسان و اساتید آب و فاضلاب تصور ادراکی متفاوتی نسبت به افراد عادی در ارتباط با فاضلاب دارند، کشاورزان نیز بنابه کاربری و کارکرد آن، نگرش و ادراکی متفاوت از پساب دارند. ویژگی که کشاورزان مورد مطالعه در آن سهیم بودند ظرفیت بیشتر برای پذیرش پساب بر حسب کارکرد آن است. همچنین طرح‌واره‌ها و چارچوب‌های ذهنی به افراد امکان می‌دهد تا مقادیر زیادی از اطلاعات را به شیوه‌ای کارآمد سازماندهی کنند. "این چارچوب‌ها وقتی شکل گرفتند، اثراتی نیرومند بر اندیشه اجتماعی خواهند گذاشت، آثاری که از نقطه نظر دقت و درستی همیشه سودمند نیستند (بارون و برنسکامب، ۱۳۹۲: ۶۰). بر این اساس پاسخگویان عموماً هزینه‌ها و مخاطراتی را که پساب برای آنها، محصول و محیط زیست ایجاد می‌کند کم‌اهمیت می‌شمارند. به عنوان مثال، یکی از کشاورزان به نام رسول در این زمینه گفته است: "... این مسؤولان به نفت می‌گن طلای سیاه ما کشاورزا به پساب می‌گیم طلای سیاه. اندازه و کیفیت محصولات ما توی ایران نظیر نداره و اونم واسه اینه که این پسابا کلی مواد مغذی برای خاک و محصولامون داره و یه جورایی کود پیشرفته اس... خوب هر چیز خوبی یه مشکلائی هم البته داره ولی به نظر من زیاد بزرگش کردند. زن و بچه ما هم از همین استفاده می‌کنن و تا حالا هیچکی چیزیش نشده".

اگرچه برخی از آنها در معرض برخی آموزش‌ها از طریق شورای روستا و... قرار می‌گرفتند و یا دارای

فردگرایانه دارند و به عبارتی جمله "چرا آنها آره، من نه" بارها در گفته‌های آنها مشهود بود. کشاورز در اینجا از طریق کارکرد خود-دفاعی نگرش‌ها، از خود در برابر عملکرد اشتباه دفاع می‌کند. آنها با توجیه رفتار خود به علت بسیط بودن مشکلات از سطوح بالای مدیریتی تا سطح همکاران خود بدون دلواپسی از رویه اشتباه، به طرز خوشایند رفتار خود را توجیه می‌کنند.

جلبی نیز در این زمینه معتقد است که تجلی هر رفتاری منوط به تمایلات نظام شخصیتی نیست، بلکه همزمان وابسته به نوع قواعد اجتماعی، فرصت‌ها و ... غیره است. به گفته او اگرچه نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد در تمایلات عام‌گرایانه در سطح نظام شخصیت در حد قابل قبولی بالا هستند، اما فعلیت درآوردن چنین امکانی، موکول به شرایط اجتماعی است (جلبی، ۱۳۸۴: ۲۲-۱۷). در مجموع پایین بودن رفتارهای مطلوب شهروندی در هر سطحی نشان‌دهنده‌ی این مسأله در جامعه است. از نظر کشاورزان استفاده از پساب در کشاورزی کنشی غیرعقلانی تلقی نمی‌شود. بسیاری از پاسخگویان رفتار دیگر همکاران خود را سودجویانه می‌دانستند و خود را در میدان بازی‌ای تجسم می‌کردند که پایبندی به قواعد نانوشته‌ی بازی، برای آنها زمینه‌ساز سود بود.

منفعت‌طلبی کوتاه‌مدت

صالحی و طالبی (۱۳۹۳) با انجام مصاحبه در دانشگاه علامه طباطبایی و گروه زنان، درک پاسخگویان از پساب را، فاضلاب خالص و گاهی لجن دانسته و به دنبال آن احساس تنفر و بی‌زاری ناشی از تفکر استفاده از آب بازیافتی را توسط آنها بیان داشتند (صالحی و طالبی، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۰).

لایه‌های حکمرانی خوب را نیازمند است. پاسخگویان با اولویت دادن وجه عقل‌گرایی ابزاری در عملکرد خود برای استفاده از پساب در کشاورزی، عقل‌گرایی استراتژیک را در حاشیه قرار داده بودند. با این حال همان‌طور که گفته شد برای این گروه این به معنای انفصال از شخصیت عام‌گرایانه آنها نبود بلکه آن را منوط به شرایط صحیح در جامعه می‌دانستند.

رضا: "فقط زورشون به ماها رسیده. خوب منم می‌دونم زیادی این آب ضرر داره ولی چیکار کنیم؟ آب کو؟ چاهها هر سال بدتر از پارسالن؟ بعدم خوب الان همه شهرا دارن همین کارو می‌کنن. دولتتم که خودش می‌دونه و اجازه داده."

بدین ترتیب اتکا به نفع کوتاه‌مدت و سود و برد آنی در رقابت با همکاران و حتی دولت، واکنش و استراتژی برای این شرایط شکاف بین سیاست‌گذار و کشاورز به عنوان راهکاری فردی است که خطرات جبران‌ناپذیری را به همراه دارد. کشاورز دشت ورامین که نبض سلامت تهرانی‌ها را در دست دارد، تنها با رفع مسئولیت از خود و انگشت اتهام را به سوی دولت گرفتن خود را از این معرکه نجات می‌دهد. لذا رفتار مبتنی بر اصالت محلی کشاورزان را می‌توان استراتژی تلقی کرد که کشاورزان به کمک آن به مصاف افزایش بازدهی فردی و سود آنی خود پیش رفته و با استقلال عمل در تصمیم‌گیری بیش از پیش فاصله‌ی خود را از سیاست‌گذار حفظ می‌کنند.

واکنش به بی‌عدالتی ادراک شده

به گفته‌ی بارون و برنسکامب (۱۳۹۲)، وقتی مردم احساس می‌کنند که با آنها غیرمنصفانه رفتار شده، به تغییر دادن توازن سهم کمک خود به جامعه و گروه و بازده‌ها تأکید می‌ورزند و اگر این تقاضا برآورده نشود، آنها ممکن است دست به اعمال حادثری بزنند. از

سواد بوده و می‌توانستند از منابع علمی و خبری کسب اطلاع کنند، با این حال بیشتر آنها متکی بر مهارت‌ها و ظرفیت‌های تجربی و ذهنی خویش بودند اما در حیطة نتیجه‌گیری و بازدهی عدم تقبل مسؤلیت‌پذیری را در خود داشتند و خود را پاسخگوی نتایج عمل خویش ندانسته و از خود سلب مسؤلیت می‌کردند. به عبارتی، به نوعی با تعارض خودمحوری در تصمیم و عدم مسؤلیت‌پذیری در اینجا مواجه می‌شویم. وقتی از آنها سؤال شد که در نتیجه عملکرد اشتباه شما در استفاده از پساب چه حسی دارید، علی ۳۴ ساله می‌گوید:

"... این آبو از تصفیه‌خونه برامون فرستادن و استفاده می‌کنیم دیگه شما باید برید از اونا بپرسی که چرا مشکل پیش اومده. مگه مهندس میاد محصول بکاره که من برم مشکلاى آب رو شناسایی کنم... بعد هم خوب درسته که بهتره این آب برای برنج و گندم که ساقه داره استفاده بشه ولی پس بقیه که چیز دیگه‌ای می‌کارن چیکار کنند که آب ندارن؟"

بدین ترتیب برخورداری از ادراک کارکردگرایانه از پساب تا اندازه زیادی منفعت‌طلبی را در پاسخگویان هویدا می‌سازد که در نهایت نیز با توجیه‌آوری و دلیل تراشی منجر به عدم مسؤلیت‌پذیری از طرف آنها می‌گردد. اگرچه برای پاسخگویان رفتار ناصحیح به معنای انفصال از ارزش‌های جمع‌گرایانه نبود. به عبارت دیگر میزان میل به جمع‌گرایی و هم‌راستایی در مسیر مشارکت پایدار در سطح نظام شخصیتی آنها وجود داشت، لکن در همان حال و به همان نسبت شاهد بروز آن و تجلی آن در سطح نظام رفتاری افراد نیستیم. به عبارتی اگرچه تمایل به عام‌گرایی و جمع‌گرایی در سطح نظام شخصیت پاسخگویان در حد قابل قبولی بالا بود اما برای بالفعل شدن این تمایل موانع ساختاری وجود دارد که برای رفع آن تجانس در تمام

جمله اهمال کاری، کم کاری، منفعت طلبی و غیره در اینجا نیز در پاسخ به این سؤال که چه چیزی باعث شده است تا با وجود اذعان به آسیب‌زا بودن شیوهی استفاده فعلی شما از پساب برای جامعه، کماکان به شیوهی قبلی عمل کنید، افراد نمونه طیفی از ویژگی‌ها را مورد اشاره قرار دادند. مروری بر این خصوصیات بیانگر تأثیر غالب نگرش‌های واکنشی و عاملیت قوی آنها در برابر شرایط و محدودیت‌های ناشی از سیاست‌گذاری است. ناراحتی از کمبود آب، بی‌توجهی دولت و مسؤولین، ارائه‌ی راهکارهای فردی و خود-محورانه، واکنش تلافی‌جویانه، تمرکز بر منافع فردی، قدرت تطابق با شرایط از طریق روش‌های خارج از چارچوب و... از جمله ویژگی‌هایی بود که مورد اشاره قرار گرفت. مروری بر این صفات بیانگر این است که فرایندی که در آن فرد کشاورز شرایط را غیرمنصفانه تصور کند، با قبول فاصله خود از حاکمیت و بدنه‌ی جامعه به سمت رفتارهایی خودمحور حرکت می‌کند. از جمله اینکه با کشیدن انشعابات غیرقانونی از فاضلاب تصفیه نشده واکنش خود را به سهم کم آب استاندارد برای کشاورزی که هم شامل پساب تصفیه شده و استاندارد و هم آب پاک است و هزینه این آب نشان می‌دهد.

برای مثال رسول ۳۰ ساله در این مورد می‌گوید:

"... آبیاری زمین‌های کشاورزی با مترائز پایین با آبی که تصفیه شده خوب و به صرفه‌اس، اما آبیاری در زمین‌های کشاورزی با مترائز بالا برای ما به صرفه نیست، تازه عملاً آب پاک هم دیگه وجود ندارد. دولت فقط می‌خواهد این مشکل را به شکلی ظاهری حل کنه تا از فشار شایعات خلاصی شه؛ اما هیچ کاری هم واسه مشکلاهی بعدی من کشاورز وقتی که فاضلاب قطع بشه نداره، واسه همین، هم فاضلاب به

کشاورزان فروخته شده و هم کشاورز خودش به فکر چاره افتاده و نیازخودشو به شکل غیرقانونی رفع کرده... اگر انصاف داشته باشین خود دولت باعث این کارای غیرقانونی شده."

نکته‌ی دیگر استقامت و آمادگی آنها برای مهیا ساختن زمینه و غلبه بر مشکلات مربوط به چالش با استانداردهای دولتی است. عموماً تصمیم به استفاده از پساب در فرایندی طولانی‌مدت و با شناخت از اینکه در غیر این صورت جوانب اقتصادی جبران‌ناپذیری بر او وارد خواهد شد که ریشه آن در اجحاف و بی‌برنامه‌گی سیاست‌گذاری‌ها قرار دارد. علاوه بر این به‌واسطه شیوه همسان‌گرایی‌ای که بین گروه‌های کشاورز منطقه وجود دارد، سرایت رفتار اجتماعی در آنها مشهود بوده و در تصمیم‌گیری برای نوع استفاده از پساب، ارجاع به گروه همسان خود را به عنوان توجیه رفتارها بیان می‌کردند.

از سوی دیگر، گلایه برخی از پاسخگویان بابت رواج روحیات غیراخلاقی در گروه همسان، همکار آن‌ها بود که در عین همسان بودن رفتارهای دو گروه، بی‌اخلاقی رفتار خود را در پاسخ به بی‌اخلاقی رفتار کشاورز همسایه در دزدیدن آب و پساب و استفاده غیر استاندارد از پساب می‌دانستند.

رسول در این باره می‌گوید:

"... من خودم کسی‌ام که توی خونه و دوستانم و فامیلام همیشه دوست دارم راست بگم از دورویی و دروغ متنفر بودم. اما اینجا اگر بخوام خیلی رک و راست باشم بدجوری رودست می‌خورم و بعدمجبور می‌شم که فشارشو به خانوادم بیارم. خیلی بده که به خاطر شرایط جامعه اونمی‌شی که دوس نداری"

باز هم در اینجا میزان عام‌گرایی شخصیتی و عدم بروز آن در رفتار اجتماعی به دلائل ساختاری مشهود است. مصاحبه‌شوندگان عموماً بر اکراه و ناتوانی خود

استراتژی آن تعقیب راهکاری است که صرفاً تأمین‌کننده نیازهای معیشتی و ابزاری باشد.

آثار و پیامدهای استفاده کشاورز از پساب

در پرسش پیشین به دنبال کشف و توصیف شرایط و تعاملات مربوط به استفاده از پساب بودیم، در این قسمت نیز به تحلیل عبارات مربوط به آثار و پیامدهای این کنش پرداخته می‌شود.

برای ایجاد تغییرات در شرایط نامطلوب اشاره داشتند. به عبارتی فردگرایی و نفع‌گرایی مصلحت‌اندیشانه به عنوان ارزش‌های غالب در میان این دسته از کشاورزان به کرات وجود داشت. برخی از آنها معتقد بودند که در صورتی که تغییر در شرایط ساختاری و به‌زعم آنها شرایط بیمار، وجود داشته باشد، موفقیت و اصلاح در عملکرد آنها ایجاد می‌گردد. در ارزیابی این منظر، به نوعی "جامعه‌شناسی انتظاری" نهفته است که

جدول ۳: مقولات اولیه و محوری آثار و پیامدهای استفاده از پساب

مقوله محوری	مقولات
مقاومت پنهان	آگاه‌سازی دولت، طرد قدرت رسمی
هراس شایعه محور	ترس از کساد بازار، شایعه‌ی بیماری، عدم پوشش صحیح رسانه‌ای
جلوه نامناسب کشاورزی	بی‌اعتباری بین‌المللی، عدم حمایت داخلی، آسیب وجه ملی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۴

مقاومت پنهان

همان‌گونه که کنش در جامعه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که کنشگران از الگوهای نهادی شده و مطلوب حاکمیت تبعیت کرده و از این عاملیت کنترل شده رضایت ممکن را داشته باشند، اما در نبود چنین ساز و کارهایی "عمل سیاسی نهادینه نشده" رخ می‌دهد. البته اگر هزینه‌های کنش‌های مخالف، برای کنشگر قابل تحمل باشد، آشکارا عمل می‌کند اما در صورت افزون شدن هزینه بر فایده، کنش پنهان در نوع فاعلی مبارزه‌جویانه و انفعالی مقاومتی رخ می‌دهد که در هر دو صورت هزینه‌هایی چند را برای حاکمیت به دنبال دارد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۲۹۹-۲۹۴).

در این رابطه برخی از کشاورزان، یکی از دلایل روی آوردن خود به استفاده از پساب را ساخت محدود فرصت‌های اقتصادی و همچنین در حاشیه بودنشان در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و سیاسی عنوان کردند.

احساس ناامنی شغلی در صورت ادامه‌ی بحران آب، ترس از عدم فروش محصولات با ادامه‌ی شایعات پساب در تهران و غیره از جمله کدهایی بود که در تفسیر محیط کارشان بیان می‌کردند. آنها بدین سبب استفاده از پساب در کشاورزی را وسیله‌ای امن در صورت مواجهه با بحران آب و کمبودهای مالی خود یافته و معتقد بودند شیوه رفتار آنها خود نوعی مقاومت و مبارزه‌ای پنهان در راستای اهدافشان است: "تا وقتی شرایط برای ما بهتر نشه و دولت هم نخواهد کاری بکنه ما هم باید از این آب به هر شکلی استفاده کنیم. این خودش می‌تونه وقتی اعتراضای مردمو دیدن باعث بشه یه فکری واسه مزرعه‌های ما بکنن".

در جوامعی که گروه‌های ضعیف و درحاشیه‌ای چون کشاورزان، توان این را نداشته باشند که دولت و حاکمیت را به پاسخگویی وادار کنند، افراد برای حل مسائل خود به فکر راه‌حل‌های فردی می‌افتند و نه

جمعی. برای مثال به جای اینکه نهادهای مردمی و گروه‌هایی در روستا باشند که دولت را وادار به پاسخگویی در رابطه با وضعیت آب کنند، افراد تن به تفاسیر شخصی و بعضاً اشتباه داده و راه‌کار فردی می‌یابند.

هراس شایعه‌محور

از نکات مورد توجه که در گفته‌های کشاورزان بطور متناوبی مشهود بود، هراس از گستره‌ی شایعات در رابطه با محصولات کشاورزی در جامعه بود که بدون شک بازار محصولات آنها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌داد. بدون شک نبود اخبار موثق باعث گرایش افراد به سمت شایعات می‌شود. با توجه به ادراک روانی افراد از پساب به عنوان آبی نجس، لجن و پرمخاطره (صالحی و طالبی، ۱۳۹۳: ۷۳-۷۲)، شایعات در این مسیر می‌تواند فرایند خرید و فروش محصولات کشاورزی را با مشکل مواجه ساخته و در این زمینه آخرین حلقه‌های مربوطه، یعنی کشاورز و شهروند بیشترین آسیب را متحمل شوند. کشاورز با عدم رغبت مشتری به محصولات از طرفی ضرر کرده و شهروند نیز در فضایی توأم با بی‌اعتمادی و هراس آمیخته با احتمال سبک زندگی مصرفی خود را تعریف کند که خود این ریسک فضایی توأم با ناامنی را برای او فراهم می‌آورد. وجود احساس امنیت و امنیت روانی در یک جامعه به همان اندازه مهم است که امنیت در جامعه. حتی بعضی از کارشناسان، احساس امنیت در یک جامعه را مهمتر از وجود امنیت در آن جامعه می‌دانند. چون ممکن است در جامعه‌ای امنیت به لحاظ انتظامی و پلیسی وجود داشته باشد ولی فرد احساس امنیت نکند (طاهری، ربانی و ادیبی سده، ۱۳۹۱: ۳۶-۳۴). ناامنی شاید برای عده‌ای قلیل مشکلاتی را ایجاد کند اما تسری ترس ناشی از مشکل در بین

دیگر افراد، بسیار وسیع خواهد بود. احتمال خطر و حس ناامنی تبعاتی به مراتب وسیع تر از خود ناامنی و خطر را در جامعه شامل می‌شود. با مصرف سبزی و آب آلوده ممکن است عده‌ای بیمار شوند اما ترس از احتمال بیماری حتی در صورت رفع مشکل تا سال‌ها کماکان باقی خواهد ماند. این موضوع از دغدغه‌های اصلی کشاورزان در منطقه بود.

"یه روز شایعه می‌شه سبب یه واکنس سمی روش داره، فرداش درباره گوجه‌فرنگی می‌گن. خوب تلویزیون و دولت نباید بذاره به این شایعه‌ها دامن بزنن. ما خودمونم از همینا می‌دیم زن و بچمون استفاده کنن. هر چیزی رو الکی پخش می‌کنن و مردم هم باور می‌کنن".

هراس شایعه‌محور معمولاً در جوامعی بیشترین دوام را دارد که تک‌صدایی عمودی از منبع قدرت ساطع می‌شود و در عین حال اعتماد به صحت آن اخبار در مرتبه بالایی نیست. اودونل (۱۹۸۶) از نظریه-پردازان صدای مورب است و به‌زعم او در جوامع فاقد نهاد مدنی و عدم تحمل شنیدن صداها و نظرات چندگانه، معمولاً صدا یا به صورت عمودی شکل می‌گیرد و یا مورب. در جوامعی که هیچ نهادی دولت و حاکمیت را به پاسخگویی و انذار، افراد برای حل مسائل خود به راه‌حل‌های فردی پناه می‌برند و نه جمعی. برای مثال به جای اینکه نهادهای مردمی نخبگانی باشند که رسانه ملی و دولت را وادار به پاسخگویی در رابطه با آلودگی آب و محصولات آبیاری شده با این آب کنند و یا زمینه گفتگو بین تمام ذی‌نفعان برای آگاهی‌رسانی به مردم فراهم گردد، افراد بالاجبار تن به تفاسیر شخصی و بعضاً اشتباه داده و راه‌کار فردی می‌دهند.

جلوه نامناسب کشاورزی

کشاورزی یکی از مهم‌ترین و تواناترین بخش‌های اقتصادی کشور است که تأمین‌کننده‌ی حدود ۲۵٪ تولید ناخالص داخلی، ۲۵٪ اشتغال و بیش از ۸۰٪ نیازهای غذایی کشور است. توسعه‌ی بخش کشاورزی در هر شرایطی پیش شرط ضروری توسعه اقتصادی کشور بوده و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخش‌ها نیز به شکوفایی و توسعه دست نخواهند یافت. به عبارتی، استقلال یک کشور با مخاطره کشاورزی به خطر خواهد افتاد. از طرفی کشاورزی با توجه به شرایط اقلیمی ایران و بهره‌وری اصولی از قنات در ایران شکلی نمادین هم به خود گرفته است. در میان کشاورزان نیز علاوه بر وجود منافع فردگرایانه و بی‌اعتمادی به دولت، احساسات ملی‌گرایانه نیز مشهود بود و نگران وجه بد کشاورزی ایران در منطقه و جهان بودند. "خوب ما الان خیلی از محصولات کشاورزی مونو به خارج صادر می‌کنیم، بعد وقتی کیفیت بیاد پایین یا اینکه این حرفا به گوششون برسه و پیازداغشم تو اخبارشون زیاد بشه، هم محصولی دیگه نداریم که بهشون بفروشیم هم اعتماد دیگه بهمون نمی‌کنن".

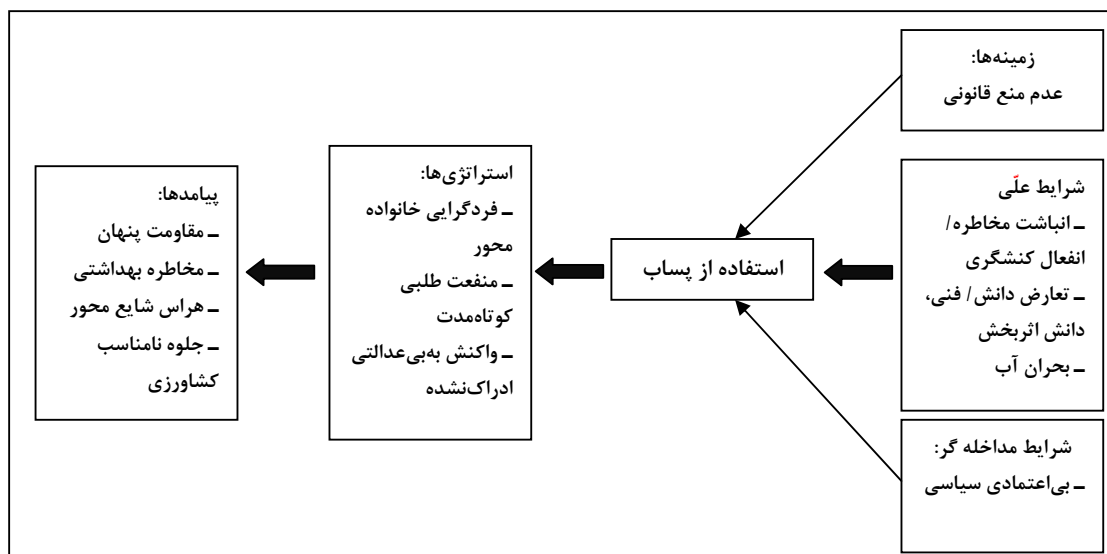
عملکرد ناصحیح کشاورز در استفاده از پساب، حتی اگر باعث کاهش صادرات محصولات کشاورزی نشود، در داخل نیز با کساد بازار محصولات، نوعی

بی‌اعتمادی گروهی را جلوه‌گر می‌سازد. روی آوردن خریدار خرد به محصولات خارجی به جای ایرانی، علاوه بر اینکه عدم حمایت او از صنعت و کشاورزی ملی را نشان می‌دهد، به شکاف بین برنامه‌ریزی‌ها و اجراء آن در عمل را اشاره می‌کند.

"الان بازار بعضی چیزامون کساد شده و با این همه میوه خارجی هم که انبار کردن و هی می‌دن تو بازار، خوب وضع بدتر شده. سبزی خوردن دیگه مثل اون‌وقتا طرفدار نداره چون می‌گن کثیف و آلوده‌اس. خوب اگه دولت فکری نکنه و ما هم کمک نکنیم وضع بدتر هم می‌شه".

نتیجه

در تحقیق حاضر، زمینه‌ها، انگیزه‌ها و دلالتی که نقش مهمی در استفاده غیر اصولی از پساب در کشاورزی دارد به روش نظریه مبنایی مورد توجه قرار گرفت. در این روش مدل و مقولات از بطن داده‌ها استنباط می‌شود و برخلاف روش‌های کمی این تحقیق به دنبال اثبات نظری و مفهومی نبود. سؤال اصلی تحقیق روشن ساختن دلالت نحوه‌ی عمل غیراستاندارد کشاورز در تعامل با پساب و ارتباط آن با درک افراد از سیاست‌گذاری‌های حکومتی بود. این پرسش با مدل نظری بررسی و تحلیل شد.



مدل نظری ۱: درک کشاورزان از شرایط، تعاملات و پیامدهای استفاده از پساب

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴

انرژی و انگیزه آنها نتیجه‌ی مطلوبی را نصیب آنها نمی‌سازد. لذا تمایل به حفظ دانش انباشتی تجربی آنها به جای توصیه‌های سیاسی و علمی از جمله زمینه‌هایی است که به رفتار دفاعی برخی از کشاورزان در شکل تغییر کاربری دامن می‌زند.

افراد مورد مطالعه همگی منافع را در سطح فردی، خانوادگی و محلی جستجو می‌کردند و عدم پیش-بینی‌پذیری شرایط، بی‌عدالتی درک‌شده، خودکم‌بینی برای مؤثر بودن در رفع مشکلات و غیره را دلیلی برای اعتماد نکردن به سیاست‌های ابلاغی می‌دانستند. به عبارتی همسو شدن با ابلاغات را چالشی عظیم برای خود می‌دیدند. در این تحقیق چنین فهم شد که بیش از آنکه سیاست‌مدار و جامعه شناس قادر به درک جامعه باشد، این جامعه است که خودش را می‌شناسد و به شیوه‌ای خودجوش راه‌حل فردی برای مشکلات خود پیدا می‌کند. در این حالت تصور از پساب برای کشاورزان، نه دیدن مضرات احتمالی، بلکه کاربرد است. لذا احتیاط‌های لازم به عمل نمی‌آید.

بر اساس نتایج خلاصه‌شده در مدل نظری ۱، مقوله هسته "گسست عملکرد محلی از سیاست‌های ملی" است که در تحقیق تبیین شده است. به عبارت دیگر، سیاست‌های ملی در زمینه استفاده از پساب در کشاورزی با فهم کشاورز از کاربرد آن دارای تفاوت‌ها و تعارضاتی است که نتایج این تحقیق بیانگر آن است که حکمرانی و توسعه پایدار بدون تعامل بین دانش بومی و تخصصی و همچنین بدون شنیدن صدای کم‌قدرت کشاورزان و درک مشکلات آنها حاصل نمی‌شود. پاسخگویان خود را نسبت به برخی از رفتارهای مخاطره‌آمیز در رابطه با کاربرد ناصحیح پساب، بی‌اختیار دانسته و با عام‌گرایی شخصیتی خود اذعان به مخاطره‌آمیز بودن این رفتار داشتند. اما در بعد رفتاری و عملی به سمت فردگرایی پیش‌رفته و با مسبب پنداشتن ساختار بیمار، تنها در جهت کسب منافع کوتاه‌مدت و آنی خود بودند. آنها اصلاح و ایستادگی در برابر ساختار به گفته آنها بیمار را تلاشی فردی می‌دیدند که بردی محدود داشته و با تحلیل

عملکرد خود، بلکه نتیجه عملکرد سیاست‌گذار و مجری دانسته و خود را تنها حلقه‌ای از این زنجیره در نظر می‌گرفتند. آنها بارها شکایت خود را نسبت به سرمایه‌ی ساختاری ناکافی در جامعه و سیاست و اقتصاد (اعتماد متقابل، دلسوزی مسؤولان، تعهد متقابل) ابراز داشتند. اگرچه با وجود اعتماد کم به سیاست‌گذار، شخصیت همیارانه‌ی خود را در صورت بهبود اوضاع به رخ می‌کشیدند.

در مجموع باید بیان داشت که برای شنیدن صداهای خاموش و در حاشیه، جامعه‌شناسی نیازمند پل زدن بین حوزه‌ی تخصصی و مردم‌مدارانه‌ی خود است. در این مسیر یکی از نظریات متأخر بحث حکومت‌داری خوب است که تعامل بین لایه‌های رسمی و غیررسمی جامعه را در دستور کار دارد. اما نتایج نشان‌دهنده‌ی این بود که کشاورزان سیاست‌های تجربی خود را دنبال کرده و شکاف بین آنها و سیاست‌گذار مشهود است. لذا می‌توان گفت که در این زمینه و این محدوده‌ی جغرافیایی حکمرانی خوب در سیاست‌گذاری‌های دولتی مشهود نبود.

منابع

- استراوس، آنسلم؛ جولیت کربین (۱۳۹۰). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل نظریه‌زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- بارون، رابرت؛ نایلا برنسکامب (۱۳۹۲). روانشناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی. ویرایش یازدهم. تهران: نشر روان.
- بوراووی، مایکل و دیگران (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی مردم-مدار، ترجمه بهرنگ صدیقی و دیگران. تهران: نشر نی.
- تریبان، علی؛ اسماعیل بغوری (۱۳۷۶). بررسی آلودگی‌های ناشی از کاربرد پساب‌های شهری و صنعتی در اراضی کشاورزی جنوب تهران. مجله محیط‌شناسی. شماره ۱۸. صفحات ۴۶-۳۳.

تحلیل معناشناسانه بسیاری از گزاره‌های مستخرج از مصاحبه‌ها گویای صراحت و تأکید کشاورزان بر توانایی خود در درک شیوه‌ی استفاده از پساب است. آنها با قائل شدن شکاف بین آموزه‌های بومی و علمی، و خودبرتری‌بینی دانش محلی، در توجیه رفتارهای خود تلاش می‌کردند. این گروه نحوه‌ی عمل خود را همچنین از روی استیصال و به‌عنوان آخرین تصمیم و امکان می‌دیدند. با این حال این شکل از انتخاب برای آنها شرایط توأم با نگرانی و خوسرزندی هم ایجاد می‌کرد که به عنوان مکانیسمی دفاعی، از الگوبرداری این عمل از هم‌تایان و همچنین بی‌فایده بودن رفتار صحیح استفاده می‌کردند. فرافکنی عملکرد ناصحیح خود به عملکرد ناصحیح دولت و دست‌کم گرفتن کژکارکردهای رفتاری‌شان در مقایسه با اختلاس‌های اخیر به عنوان توجیه و مرهمی بر ناراحتی‌های آنها عمل می‌کرد. این گروه رفتار خود را، به‌عنوان فرایندی برای ادامه‌ی حیات در شرایط بحران تلقی می‌کردند. بسیاری از نمونه‌های تحقیق (پاسخگویان) رفتار خویش را در راستای پروژه‌ای می‌دانستند که برای استفاده بهینه از فرصت‌های موجود می‌بایست محدوده‌ی نیازهای فردی و خانوادگی را در اولویت قرار داده و مشارکت برای بهبود وضع اجتماعی را بر عهده دولت گذاشت. آنچه در این مسیر برای آنها چالش‌برانگیز بود بازخود بومرنگی عملکرد آنها در سطح جامعه بود که سبب شده بود اطلاع‌رسانی‌ها به مردم درباره‌ی آلودگی محصولات دشت ورامین میزان فروش برخی محصولات از جمله سبزی خوردن را پایین بیاورد. آنها از یک طرف در شرایط محدودیت آب زیرزمینی و جاری مجبور به استفاده از پساب در شکل استاندارد و غیر استاندارد بودند و از طرفی نیازمند در دست گرفتن بازار و میادین میوه و تره‌بار. کشاورزان مورد مطالعه، از مضرات استفاده‌ی ناصحیح از این آب مطلع بودند اما آن را نه نتیجه

- ترابیان، علی و مهجوری، مریم (۱۳۸۱). بررسی اثر آبیاری با فاضلاب روی جذب فلزات سنگین بسیله سبزی های برگی جنوب تهران، مجله آب و خاک. جلد ۱۶. شماره ۲. صفحات ۱۹۶-۱۸۹.
- جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۳). دوراهی اجتماعی و عوامل مؤثر بر رفتار مردم در این موقعیت، رساله ی دکتری. تهران. دانشگاه تربیت مدرس.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۴). جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، چاپ سوم. تهران. نشر نی.
- شریف زاده، فتح؛ رحمت الله قلی پور (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، نشریه فرهنگ مدیریت. سال اول. شماره ۴. صفحات ۱۱۰-۹۳.
- صالحی، صادق؛ مهشید طالبی (۱۳۹۳). تحلیل کیفی موانع اجتماعی- فرهنگی استفاده از آب بازیافتی، مجله بازیافت آب. دوره ۱. شماره ۱. صفحات ۶۷-۷۷.
- طالبی، مهشید (۱۳۸۹). بررسی جامعه شناختی رفتار مصرف آب خانگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. استاد راهنما دکتر عبدالحسین کلانتری. تهران.
- طالبی صومعه سرایی، مهشید (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی رفتار مصرف آب خانگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران. استاد راهنما دکتر عبدالحسین کلانتری. تهران.
- طاهری، زهرا؛ رسول ربانی؛ مهدی ادیبی سده (۱۳۹۱). رابطه نقش پلیس و احساس امنیت در شهر اصفهان سال ۱۳۸۸، پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال اول. شماره ۱. بهار ۱۳۹۱. صفحات ۳۸-۲۱.
- فلیک، اووه (۱۳۹۳). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی. تهران. نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان. تهران. نشر نی.
- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۹). شیوه نامه ضوابط زیست محیطی استفاده مجدد از آب های برگشتی و پساب ها. نشریه شماره ۵۳۵.
- Becker, Gary S (1978). *The Economic Approach to Human Behavior*, Chicago: University of Chicago Press.
- Borden, R. J and Schettino, AP (1979). "Determinants of environmentally responsible behavior". *The Journal of Environmental Education*, Vol.10, PP:35-39.
- Chan, K. W (1999). "Mass Media and Environmental Knowledge of Secondary School Student in Hong Kong", *the environmentalist* 19, PP:85-97.
- Frick, Jaqueline, Kaiser Florian G. Wilson Mark (2004). "Environmental knowledge and conservation Behaviour: exploring Prevalance and Structure in a Representative Sample". *Personality and Individual Differences*, 37, PP:1597-1613.
- Grob, Alexander (1995). "A Structural Model of Environmental Attitudes & Behavior". *The Journal of Environmental Psychology*, 15, PP:209-220.
- Kaercher; J. D. M & Nancarrow, B. E (2003). *Water recycling community discussion meeting*; Perth; Australian Research Centre for Water in Society.
- Mollinga. Peter p (2008). *Water, politics and development: framing a political sociology of water resources management*, *Water Alternatives* 1(1): 7-23.
- Ramsey, C. E. & Rickson, R. E (1976). *Environmental Knowledge and Attitudes*". *Journal of Environmental Education*, 8, 10-18.
- Rozin, P. & Fallon (1987). *A perspective on disgust*; *Psychological Reports*; 94; 33-41.
- chahn, J. & Holzer, E (1990). *Studies of individual environmental concern: The role of knowledge, gender, and background variables*, *Environment and Behavior*, Vol. 22, No. 6, PP:767-786.